

## به مناسبت عید سعید غدیر خم / شهریار شعرت را بخوان ...

حضرت آیت الله مرعشی نجفی، در فرازهایی از وصیت نامه خود می گویند: شبی در عالم خواب دیدم امیرالمومنین (ع) رو به استاد شهریار کرده و فرمودند شهریار شعرت را بخوان ...

### ل/سرویس آذربایجان

این مرجع عالیقدر تشیع در این وصیت نامه گفته است: شبی توسلی پیدا کردم یکی از اولیای خدا را در خواب ببینم، آن شب در عالم خواب دیدم درزایوه مسجد کوفه نشسته ام و وجود مبارک مولا امیرالمؤمنین علیه السلام با جمعی حضور دارند.

حضرت فرمودند: شاعران اهل بیت را بیاورید، دیدم چند تن از شاعران عرب را آوردند و فرمود شاعران فارسی زبان را نیز بیاورید، آنگاه #39;محتشم#39; و چند تن از شاعران فارسی زبان آمدند. حضرت آیت الله مرعشی نجفی می گوید: امیرالمومنین فرمودند: شهریار ما کجاست؟ شهریار آمد.

حضرت خطاب به شهریار فرمودند: شعرت را بخوان! شهریار این شعر را خواند: علی ای همای رحمت ...

آیت الله العظمی مرعشی نجفی می گوید: وقتی شعر شهریار تمام شد، از خواب بیدار شدم و چون شهریار را تا آن موقع ندیده بودم، فردای آن روز پرسیدم شهریار شاعر کیست؟ گفتند: شاعری است که در تبریز زندگی می کند، گفتم: از جانب من او را دعوت کنید که به قم نزد من بیاید.

چند روز بعد شهریار آمد، دیدم همان کسی است که من او را در خواب در حضور حضرت امیر علیه السلام دیده ام. از او پرسیدم: این شعر #39;علی ای همای رحمت#39; را کی ساخته ای؟ شهریار با حالت تعجب از من سووال کرد که شما از کجا خبر دارید که من این شعر را ساخته ام؟ چون من نه این شعر را به کسی داده ام و نه درباره آن با کسی صحبت کرده ام.

مرحوم آیت الله مرعشی نجفی به شهریار می گوید: چند شب قبل من خواب دیدم که در مسجد کوفه هستم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف دارند. حضرت، شاعران اهل بیت را احضار فرمودند: ابتدا شاعران عرب آمدند و سپس فرمودند: شاعران فارسی زبان را بگویید بیایند. آنها نیز آمدند و بعد فرمودند: شهریار ما کجاست؟ شهریار را بیاورید و شما هم آمدید. آنگاه حضرت فرمودند: شهریار شعرت را بخوان! و شما شعری که مطلع آن را به یاد دارم، خواندید.

شهریار فوق العاده منقلب می شود و می گوید: من فلان شب این شعر را ساخته ام و همان طور که قبلا عرض کردم، تاکنون کسی را در جریان سرودن این شعر قرار نداده ام.

حضرت آیت الله مرعشی نجفی فرمودند: وقتی شهریار، تاریخ و ساعت سرودن شعر را گفت، معلوم شد مقارن ساعتی که شهریار آخرین مصرع شعر خود را تمام کرده، من آن خواب را دیده ام.

شعر #39;علی ای همای رحمت#39; از استاد سیدمحمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار یکی از شاهکارهای او می باشد که دروصف مولای متقیان حضرت علی (ع) سروده است.

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را - که به ما سوا فکندی همه سایه هما را

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین - به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند - چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را

مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ار نه دوزخ - به شرار قهر سوزد همه جان ما سوا را

برو ای گدای مسکین در خانه ی علی زن - که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

به جز ازعلی که گوید به پسرکه قاتل من - چواسیرتوست اکنون به اسیرکن مدارا

به جزازعلی که آرد پسری ابوالعجایب - که علم کند به عالم شهدای کربلا را

چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان - چو علی که می تواند که به سر برد وفا را

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت - متحیرم چه نامم شه ملک لا فتی را

به دو چشم خونفشانم هله ای نسیم رحمت - که ز کوی او غباری به من آر توتیا را

به امید آن که شاید برسد به خاک پایت - چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را

چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان - که زجان ما بگردان ره آفت قضا را

چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم - که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را

(همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد آشنا را)

ز نوای مرغ یاحق بشنو که در دل شب غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا.